

چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین برای جنس مخالف؛ راه‌های برون‌رفت از آن

shokrimohammad859@yahoo.com
mo.mohammadi@ut.ac.ir

کچ محمد شکری / کارشناس ارشد فلسفه اخلاق مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
مسلم محمدی / دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران
دریافت: ۹۶/۸/۳۰ - پذیرش: ۹۷/۳/۲۹

چکیده

تبلیغ دین امر بسیار مقدس و دارای اهمیت ویژه است؛ در عین حال با چالش‌های فراوانی مواجه است. از مهم‌ترین این چالش‌ها، چالش‌های اخلاقی تبلیغ برای جنس مخالف و نیز تبلیغ در مناطق با تکرر دینی و فرهنگی است. این پژوهش با در نظر گرفتن اخلاق اسلامی و با هدف تبیین و حل یکی از این چالش‌ها، یعنی تبلیغ برای جنس مخالف، نگرارش یافته است. دغدغه اصلی در این پژوهش، پاسخ دادن به این پرسش است که چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین برای جنس مخالف و راه‌های برون‌رفت از آن کدامند؟ بر اساس پژوهش انجام شده، راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های اخلاقی تبلیغ برای جنس مخالف عبارتند از: رعایت عفت عمومی در گفتار، رفتار، پرهیز از نگاه حرام، پرهیز از اختلاط، پرهیز از مواضع تهمت، و برخورداری از غیرت اجتماعی. روش این پژوهش، از حیث گردآوری مطالب و اطلاعات، کتابخانه‌ای، و از حیث تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی - تحلیلی است. همچنین این تحقیق از حیث اهداف، یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، مبلغ، دین، تبلیغ دین، اخلاق مبلغ، جنس مخالف.

۱. مقدمه

تبلیغ، در اصطلاح عبارت است از: رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط، برای ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او، و بر سه عنصر اصلی پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام مبتنی است. در این پژوهش سعی بر این است که یکی از چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن بررسی گردد و نمونه‌هایی از تعارض‌های موجود در عرصه تبلیغ معرفی شود. از جمله چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین، «تبلیغ برای جنس مخالف»، «تبلیغ در مناطق سنی‌نشین» و «تبلیغ در مناطق با تکتور فرهنگی، مثل زندان‌ها و سربازخانه‌ها» می‌باشد. در این زمینه، مسائلی همچون «چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین برای جنس مخالف» و «راه‌های برون‌رفت از آن» محل توجه هست. با توجه به اهمیت ویژه تبلیغ دین و تأکید دین مبین اسلام بر این امر، مثل آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷)، عده‌ای به‌عنوان مبلغ دین، انفرادی یا گروهی یا سازمانی فعالیت می‌کنند؛ ولی این امر در عین لزوم و ضرورت با چالش‌های اخلاقی مواجه‌اند و کتب و مقالاتی در این راستا تدوین شده‌اند؛ ولی فعالیت‌های علمی صورت گرفته، یا درباره اخلاق‌اند یا در زمینه تبلیغ، اما در زمینه تبلیغ دین با عنوان «چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن»، پژوهشی که ترکیبی از آن دو باشد و چالش‌ها را نیز مطرح کند، صورت نگرفته است. لذا بر آن شدیم تحقیقی داشته باشیم که درصدد بیان راهکارهای اخلاقی برای برون‌رفت از چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی باشد. برای جلوگیری از دین‌ستیزی و دین‌گریزی، باید تبلیغ دین به صورت صحیح و بدون چالش‌های فاحش باشد. به همین مناسبت، در این تحقیق به چالش‌های اخلاقی تبلیغ دین برای جنس مخالف و راه‌های برون‌رفت از آن پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تبلیغ

واژه «تبلیغ»، از ماده «بلغ» بر وزن تفعیل، به معانی «رسانیدن» و «رسانیدن خبر یا پیام» است. «تبلیغ»، رسانیدن، واصل شدن و رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه (دهخدا، ۱۳۴۹، ص ۳۴۳). «بلغ»، بلوغ و بلاغ، یعنی رسیدن به انتهای مقصد، اعم از آنکه مکان باشد یا زمان یا امری معین؛ و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد باشد، هرچند به آخر آن نرسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴). راغب با آنکه بلاغ را مصدر ثلاثی گرفته، به‌معنای تبلیغ و کفایت نیز گرفته است.

برای تبلیغ، معانی اصطلاحی متعددی ارائه شده است؛ از جمله: «رساندن پیام الهی به شیوه روشنگرانه از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای مورد نظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر» (رهبر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

۲-۲. اخلاق

«اخلاق»، مفرد آن خُلُق (به ضم خاء و سکون لام) و خُلُق (به ضم خاء و لام) است. این واژه در لغت به معنای خوی، سرشت، طبیعت (دهخدا، ۱۳۴۹، واژه خلق)، سجیه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴)، عادت و... به کار رفته است؛ چه خوی و سرشت و طبیعت نیکو و پسندیده باشد، مانند جوانمردی و دلیری، و چه زشت و ناپسند باشد، چون فرومایگی و بزدلی؛ از این رو، تعبیر اخلاق فاضله و اخلاق رذیله را به کار می‌برند. در آیه شریفه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) نیز واژه خلق به همین معنا به کار رفته و در مقابل خَلَق است.

در اصطلاح، معانی متعددی برای اخلاق ذکر شده است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

الف. کلمه «خلق» به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند؛ چه اینکه آن ملکه از فضایل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن، و چه از رذایل باشد، مانند حرص و جبن و مانند آن؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خلق نیکو از آن فهمیده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۶۹).

ب. اخلاق، صفت راسخ و پایدار نفسانی است (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۹۵).

با توجه به دو تعریف فوق و تعاریف دیگر می‌توان اخلاق را چنین معنا کرد: اخلاق به معنای صفت نفسانی یا حالتی است که در نفس رسوخ و ثبات داشته باشد و موجب شود کارهایی متناسب با آن بدون نیاز به فکر و سنجش، از انسان صادر شود؛ مانند ملکه سخاوت که حالتی نفسانی است. کسانی که این خلق را دارند، هنگام بخشش به تردید در نمی‌افتند و بدون نیاز به فکر و تأمل، بخشش می‌کنند. تأکید بر این نکته ضرورت دارد که در مفهوم خُلُق، ثبوت صفت نفسانی بر اثر تکرار کار در نظر گرفته نشده است. از این رو، صفت نفسانی ثابت در نفس می‌تواند ذاتی و فطری نیز باشد.

۳. تبلیغ برای جنس مخالف و راه‌های برون‌رفت از آن

باید اذعان داشت که در درون انسان کشش‌هایی وجود دارد که در پیدایش و ترکیب انسان مؤثر است. یک نمونه آن، گرایش برای ایجاد روابط خاصی بین زن و مرد در جامعه انسانی در قالب ازدواج و پیوند زناشویی است.

حال پرسش این است که با وجود این کشش و جاذبه بسیار قوی بین مرد و زن، آیا مردان می‌توانند برای زنان تبلیغ دینی داشته باشند و دچار انحراف نشوند؟ یا بعکس، آیا زنان می‌توانند برای مردان تبلیغ دینی در محیط‌های مختلف به صورت کلاسیک یا سخنرانی یا چهره‌به‌چهره داشته باشند؟ آیا سخنرانی کارشناسان دینی بانوان در کنفرانس‌ها و جلسات برای آقایان، اخلاقی است؟ آیا روضه‌خوانی بانوان در مجلس بانوان در صورتی که صدای آنها توسط آقایان شنیده می‌شود، جایز است؟ آیا تبلیغ و اجرای برنامه‌های مذهبی توسط بانوان در صداوسیما که مخاطبان مختلف مرد و زن دارد، اخلاقی است؟

باید دانست که هدف انسان، رسیدن به کمال واقعی و قرب به خدای تبارک و تعالی است. بنابراین، تبلیغ دین در راستای این هدف مقدس برای جنس مخالف (البته غالباً تبلیغ مرد برای بانوان) اشکالی ندارد و بعضاً لازم و ضروری است؛ لذا مبلغ دین علاوه بر در نظر داشتن هدف قرب الهی، باید لوازم و مقدمات قرب الهی را نیز رعایت کند؛ مثل آیه شریفه‌ای که در زمینه مرد و زن نامحرم می‌فرماید: «به مردان باایمان بگو: دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را فروبندند و پاکدامنی ورزند (نور: ۳۰-۳۱)».

بنابراین، یک مبلغ دین در برخورد با جنس مخالف باید راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های اخلاقی را بداند تا گرفتار مشکلات و مسائل چالش‌برانگیز آن نشود. بر همین اساس به پنج راهکار مهم اشاره می‌شود:

۱-۳. رعایت عفت عمومی در گفتار، رفتار و نگاه

یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی بازدارنده، عفت است که از اخلاق فردی محسوب می‌شود. «عفت» در لغت به معنای پارسایی و خودداری از انجام امر قبیح است (نهج البلاغه، ح ۶۷). در اصطلاح علم اخلاق، عفت عبارت است از صفتی نفسانی که از غلبه شهوات جلوگیری می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۳، ح ۱۰). حقیقت عفت در آن است که با وجود برخورداری از غرایز و شهوات، عقل و شرع همواره جایگزین شهوات باشد. این سخن امام علی علیه السلام که «برترین عبادات عفت است» (همان، ص ۷۹، ح ۳)، بر همین کارکرد راهبردی دلالت دارد. از برجسته‌ترین آفات عفت، «شرارت» و «خمود» است؛ اولی پیروی بی‌چون و چرا از شهوات، و دومی کاهلی در بهره‌وری لازم از غرایز طبیعی است (نراقی، ۱۳۷۱، ص ۱۳-۱۴ و ۵۴).

بنابراین، هرگاه نیروی شهوت تحت فرمان عقل درآید، فضیلت عفت پدید آید. البته بدیهی است که ترک شهوت از سر اضطرار یا به سبب ناتوانی یا به دلیل ترس از پیدایش ناخوشی‌ها یا از بیم آگاهی مردم و ملامت ایشان، عفت نیست (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲).

مرحوم نراقی سرّ همه اخلاق حسنه را در چهار فضیلت می‌داند: ۱. حکمت؛ ۲. عفت؛ ۳. شجاعت؛ ۴. عدالت. ایشان درباره عفت می‌نویسد: عفت عبارت است از مطیع بودن قوه شهویه از برای قوه عاقله و سرکشی نکردن از امر و نهی عاقله تا آنکه صاحب آن از جمله آزادگان گردد و از بندگی و عبودیت هوا و هوس خلاصی یابد (نراقی، ۱۳۷۱، ص ۴۹).

با توجه به اهمیت عفت، لازم است که عوامل دخیل در تحصیل عفت و حفظ آن تبیین شود:

۱-۳-۱. ایمان

ایمان از جمله عوامل بازدارنده انسان از ورود به محرّمات الهی است و او را در حفظ عفت یاری می‌کند. مؤمنان در قرآن کریم و روایات اسلامی به برخورداری از صفت پاکدامنی ستوده شده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ

الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَرْوَاحِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۱-۵)؛ مؤمنان رستگار شدند ... و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند. امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ عَقِيفٌ مُّقْتَنِعٌ مُتَّزِعٌ مُتَوَرِّعٌ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۲)؛ مؤمن، پاکدامن، قناعت‌پیشه، پاک‌سرشت و خویش‌تن‌دار است. پس مؤمن باید همیشه به حقیقت خود که انسانی تکریم شده و خلیفه الهی است توجه داشته باشد و بداند که مؤمن نور است و نباید یک لحظه از خدای خود، حقیقت خود و رستگاری خود غافل شود. بداند که خارج شدن از هدف پیام‌رسانی خود، در واقع خیالاتی بیش نیست و متاع قلیل دنیا در برابر وعده‌های الهی پشیزی نمی‌ارزد و غیر از اوهام و پيله به دور خود تنیدن، چیز دیگری نیست.

۲-۱-۳. عقل و خرد

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «اصل العقل العفاف و ثمرته البرائة من الآثام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۷)؛ ریشه عقل عفت و ورزیدن، و ثمره و نتیجه عفت کمی اندوه است. بنابراین، مبلغ باید پیوسته درباره خدای خود، کمال حقیقی و معشوق واقعی خود بیندیشد و به مانع وصل خود به اصل خویش که آفریدگار او و تمام جهان هستی است، توجه داشته باشد.

۳-۱-۳. خودشناسی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: برای کسی که خود را شناخته، شایسته است ملازم قناعت و عفت باشد (محمدی‌ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۳۲۹۰). انسان باید حقیقت وجودی خود را بشناسد که موجودی است دو بعدی، جسمانی و روحانی، و اصل با روح اوست که خلیفه الهی و مورد تکریم خدا و فرشتگان الهی است و بداند که دشمنان درونی و بیرونی پیوسته در کمین او نشسته‌اند تا ایمان و شخصیت او را تباه کنند. در ضمن، انسان باید قوای درونی خود را خوب بشناسد و با شرع و عقل به تعدیل آنها بپردازد.

۴-۱-۳. قناعت

در روایاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم: «عون شیء علی صلاح النفس القناعة» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۲)؛ کسی که نفس خود را به قناعت وادارد، نفسش او را بر پاکی و عفت یاری می‌کند. در جای دیگر می‌فرماید: «طیب العیش القناعة» (همان، ص ۳۸۳)؛ قناعت، زیبایی زندگی است. ریشه عفت قناعت است. اگر انسان بتواند صفت اخلاقی قناعت را در وجود خود نهادینه سازد و به اصطلاح اخلاقی، ملکه قناعت را در خود ایجاد کند، به نظر می‌رسد که به راحتی می‌تواند عوامل دیگر را در خود تقویت نماید.

۵-۱-۳. غیرت

غیرت و جوانمردی نیز در پاکدامنی انسان نقش مؤثری دارد و باعث می‌شود انسان هرگز تن به بی‌عفتی ندهد. غیرت رابطه مستقیمی با پاکدامنی دارد: انسان به همان مقدار که از صفت غیرت و جوانمردی بهره‌مند است، در

حفظ پاکدامنی خود می‌کوشد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ ... وَ عَفْتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (نهج البلاغه، ح ۴۷)؛ ارزش مرد به اندازه همت او ... و پاکدامنی‌اش به اندازه غیرت اوست. مبلغ دین باید نسبت به دین، ناموس خود و سایر مؤمنین غیور باشد؛ یعنی همان‌گونه که به ناموس خود غیرت دارد، ناموس دیگران را نیز باید از دید چشمان نامحرم خود و حتی دیگران حفظ کند.

۳-۱-۶. تأمین نیازهای جنسی و عاطفی

کسی که در محیط خانه و از طریق مشروع، نیازهای جنسی خود را تأمین می‌کند، زمینه بسیار کمتری برای آلودگی به بی‌عفتی دارد. از این رو، هر کس برای حفظ پاکدامنی خود و همسرش باید در حد لازم، نیازهای جنسی خود و همسرش را تأمین کند تا در لغزشگاه‌های جنسی نلغزند و از آلودگی و فساد ایمن گردند (فاخری، بی‌تا، ص ۱۰۷). بنابراین، آرامش یک مبلغ دین، داشتن یک خانواده گرم و عاطفی است تا او هیچ‌گونه دغدغه ارضای جنسی و عاطفی نداشته باشد.

۳-۱-۷. حیا

عامل دیگری که در حفظ پاکدامنی انسان مؤثر است، صفت شرم و حیاست. انسان به همان میزان که از این صفت پسنیدیده بهره‌مند است، از کارهای زشت و نامشروع دوری می‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام درباره حیا می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْيَقِينَةُ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۱)؛ پاکدامنی هر کس به اندازه حیای اوست.

۳-۱-۸. تقوا

تقوا زیباترین صفت انسان مؤمن و عامل سعادت و رستگاری اوست. خداوند در قرآن کریم بارها انسان را به داشتن تقوا فراخوانده و آن را لباسی پاک برای روح انسان معرفی کرده است: «وَلْيَأْسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶)؛ و جامه پرهیزگاری، از هر جامه‌ای بهتر است.

۳-۱-۹. ریاضت

از جمله کم‌خوردن، کم‌نوشیدن، روزه گرفتن، ذهن را مشغول به مباحث علمی کردن و داشتن فعالیت‌های جسمی، اعم از کار، ورزش و عبادت است.

۳-۱-۱۰. توجه به آثار سوء و مفید عفت

از نظر *نراقی*، روش مقابله با سلطه شهوت جنسی آن است که نخست شخص در آثار و پیامدهای سوء آن بیندیشد؛ دوم از عوامل تحریک و تشدیدکننده شهوت جنسی (مانند نگرستن و فکر کردن به جنس مخالف و مسائل جنسی و سخن گفتن و خلوت کردن با نامحرم) دوری کند؛ سوم آنکه در صورت ضرورت، شهوت جنسی را با گرسنگی

تضعیف نماید. چنانکه پیش‌تر گفته شد، عفت به‌معنای رعایت اعتدال در استفاده از نعمت‌های حلال است؛ که در مقابل آن، شره و خمود قرار دارد. شره، افراط در شهوت شکم و دامن است، و خمود نیز تفریط در این دو (نراقی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۹-۲۳۴).

تُسَبِّرُ دربارهٔ آثار سوء زیاده‌روی در شهوت شکم می‌گوید: شکم سرچشمهٔ شهوات و محل روییدن جمیع آفات و دردهاست. در صورتی که به شهوت شکم پاسخ مثبت دهی، به دنبال آن شهوت دامن و حرص و ولع به رابطهٔ جنسی پدید می‌آید. هنگامی که این دو شهوت با هم جمع شوند، انسان به مال و جاه رغبت می‌یابد؛ چراکه این دو، ابزار افزونی خوراکی‌ها و شهوت‌رانی است؛ و چون درصدد جمع مال برآید، انواع ظلمت‌ها و اقسام رقابت‌ها پدید می‌آید و از اینهاست که آفت ریا و آشوب تفاخر و تکاثر و تکبر متولد می‌شود. این صفات، انسان را به کینه و حسد و بغض و دشمنی می‌خوانند و سپس صاحب خود را در ورطهٔ سرکشی، گناه، فحشا و منکرات غوطه‌ور می‌سازند (شبر، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳). در مقابل، اعتدال در خوردن و آشامیدن و گرسنگی آثار مفیدی دارد؛ از جمله: صفای قلب، درخشش و تیزی، رقت قلب و آمادگی برای درک لذت مناجات با خداوند، انکسار و تواضع و از میان رفتن حالت گردن‌کشی، درهم شکستن میل به گناه، دفع خواب و دوام بیداری و نیز سلامتی بدن و دفع امراض (همان، ص ۲۱۶-۲۱۴).

۱۱-۳. نیکو سخن گفتن

در قرآن کریم بر استفادهٔ صحیح از زبان و سخنان نیکو گفتن، بسیار تأکید شده است: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» (اسراء: ۵۳)؛ و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می‌زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.

در روایت آمده است، مردی از پیامبر ﷺ دربارهٔ برترین اعمال پرسید. پیامبر ﷺ فرمود: «اطعام کردن و پاکیزه سخن گفتن». امام صادق علیه السلام نیز در روایتی شیعیان را به شدت از سخن زشت و بیهوده برحذر داشته است: «ای شیعیان! مایهٔ زینت ما باشید، نه مایهٔ ننگ ما. با مردم به نیکو سخن بگویید و زبان خود را ننگه دارید و آن را از سخنان بیهوده و زیاده بازدارید» (همان، ص ۲۷۴۲).

مفهوم سخن نیکو: برای اینکه بدانیم چه سخنی نیکوست، خداوند در قرآن معیاری برای تشخیص سخن نیک از بد بیان کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویند. علامه طباطبائی دربارهٔ این آیه می‌فرماید: سدید از سداد به‌معنای درستی و راهیافتگی است؛ پس قول سدید آن است که اولاً مطابق با واقع است؛ ثانیاً بیهوده نیست؛ ثالثاً پیامد نامناسب ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۴۷). بر پایهٔ این آیه، سخن نیک، سخن راستی است که نه بیهوده است و نه پیامدی منفی در پی دارد.

افزون براین، در روایات برخی مصداق‌های سخن خوب نیز بیان شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. سخن از روی علم و آگاهی: در روایات متعددی به این موضوع اشاره شده است که انسان باید بر اساس علم و آگاهی سخن بگوید؛ مثلاً امام باقر علیه السلام فرمود: «خوش ندارم زبان شخص بیش از علم او باشد؛ چنانکه خوش ندارم علم او بیش از عقلش باشد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۷۳۷).

۲. بجا سخن گفتن: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: آنچه بدان علم نداری، مگو و هر چه را نیز می‌دانی، مگو که خداوند بر اعضای تو واجباتی مقرر کرده است و در روز قیامت به آنها بر تو احتجاج می‌کند (همان).

۳. به اندازه سخن گفتن: در برخی روایات آمده است که در سخن گفتن نباید زیاده‌روی یا کوتاهی کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «سخن، میان دو دوست بد گرفتار است: زیاده‌روی و کم‌گویی. زیاده‌گویی بیهوده‌گویی است و کم‌گویی عجز و ناتوانی» (همان).

۴. نداشتن پیامدهای سوئی چون شرمندگی، سرزنش و پشیمانی: در روایاتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «سکوتی که مایه وقار تو باشد، بهتر از کلامی است که مایه ننگ توست» (همان، ح ۲۷۴۱).

از آنچه گفتیم، روشن شد که سخن نیکو سخنی است استوار و محکم که راست و سودمند باشد. یکی از راه‌های تشخیص سخن استوار از غیراستوار، ملاحظه آن است که آیا دوست داریم کسی آن سخن را به ما بگوید. همین، نشانه استوار بودن آن است. راه‌های دیگر نیز توجه به معیارهایی است که در روایات بیان شده‌اند؛ مانند عالمانه بودن، بجا بودن، به اندازه بودن و نداشتن پیامد سوء.

بنابراین، مبلغ دین باید متوجه باشد ارتباطی که با مخاطبین و جنس مخالف دارد، فقط برای رساندن پیام دینی و محتوای آن به مخاطبین است و لذا از هر نوع پیام و ارتباطی که مضر به مباحث علمی و دینی داشته باشد، باید پرهیز شود. از این رو، به محض احساس دریافت پیامی غیرآموزشی، سریع رابطه را در همان لحظه قطع کنید و به حس کنجکاوی در مورد رفتارهای جنس مخالف نباید اهمیت داد. برای مثال، دنبال این باشیم که چرا این پیام را به من داد؟ یا چرا در معرض دید من قرار گرفت؟ زیرا بیشتر این رفتارهای جنس مخالف، عادی و طبیعی است و به طور ناخود آگاه صورت می‌گیرد. البته عده‌ای به تجربه یا علل دیگری، در برابر جنس مخالف رفتار وزینی دارند. ممکن است این رفتارها به دلیل حس کنجکاوی مخاطب باشد تا رفتار تو را با گفتارت بسنجد. در یک جمله، اخلاق به ما می‌آموزد که مبلغ دین اگر احساس لغزش کرد، برای حفظ عفت، دین و آبروی خود و دیگران باید به خدا پناه ببرد و از صحنه به هر نحوی دور باشد یا ارتباط را مختصر کند و برای تبلیغ دینی راه و روش دیگری را بیندیشد.

۳-۲. پرهیز از نگاه حرام

نگاه‌های حرام، نگاه‌های آلوده و شهوت‌انگیز، به منزله تیرهای هلاک‌کننده‌ای از ناحیه شیطان‌اند و اهل بیت علیهم السلام مسلمانان را از آن برحذر داشته‌اند: «يَا كُمْ وَالنَّظَرَ فَإِنَّهُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۸۹).

سرانجام نگاه حرام و آلوده، بی‌عفتی است. قرآن کریم با ظرافت خاصی، مردان و زنان را به «غض بصر» یا «کنترل نگاه» فرامی‌خواند و در کنار آن به پاکدامنی و حفظ عفت سفارش می‌فرماید: «به مردان باایمان بگو: دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است؛ و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را فروبندند و پاکدامنی ورزند» (نور: ۳۰-۳۱).

البته «عفت در نگاه»، شامل «پرهیز از نگاه حرام» نیز می‌شود؛ لکن به دلیل اهمیت «پرهیز از نگاه حرام» به طور مستقل بحث می‌شود.

اصل بحث این است که یک مبلغ دین با وجود علم و آگاهی به اقسام نگاه‌های حرام به جنس مخالف و پیامدهای سوء آن، باز ممکن است دچار چالش‌هایی بشود. حال چه راهکارهای اخلاقی برای برون‌رفت از این چالش‌ها، برای مبلغ می‌توانند مفید باشند؟

۱. مبلغ باید «ناقص دیدن» یا «پایین انداختن چشم» و به تعبیر قرآن کریم «غض بصر» را رعایت کند؛ یعنی باید هر نوع جاذبه غریزی را کنترل کرد؛

۲. مطالب علمی مبلغ آماده باشد تا بحث به حاشیه و چالش کشیده نشود؛

۳. مبلغ دینی باید بداند که رسیدن به رشد معنوی و تهذیب نفس، متوقف بر «غض بصر» و «حفظ دامن خود از گناه» است؛

۴. لباس و آراستگی مبلغ باید مناسب باشد و از لباس و پیرایش شهرت و مسئله‌دار پرهیزد؛

۵. مبلغ دین وقار و متانت خود را در تبلیغ دین، به‌ویژه در برابر جنس مخالف حفظ کند؛

۶. مبلغ دین اخلاقاً و شرعاً در برابر خداوند مسئول رفتار و گفتار خود می‌باشد و لذا باید نگاه خود را کنترل نماید؛

۷. مبلغ دین باید متوجه باشد که یک نگاه عمدی حرام، راه را برای انگیزه نگاه‌های بعدی و تنوع‌طلبی در انسان باز و تشدید می‌کند؛ به‌طوری‌که اگر پشیمان بشود و بخواهد خود را اصلاح کند و این صفت ردیله را از خود دور سازد؛ ممکن است طول بکشد، حتی چندین سال؛

۸. ریشه بیشتر گناهان، ناامیدی از رحمت خداست و بدگمانی به او؛ لذا بر مبلغ است که هر لحظه رابطه بین

خود و خدا را حفظ کند و از لطف و رحمت خدا و وعده‌های دنیوی و اخروی او غافل نباشد؛

۹. مبلغ در موارد تراحم نگاه و عدم نگاه، اصل را بر عدم نگاه بگیرد؛ در عین حال باید «بافت و شرایط زمان و

مکان» را در نظر گرفت.

۳-۳. پرهیز از اختلاط

از جمله مسائل مورد بحث در جامعه کنونی، مسئله اختلاط دختران و پسران یا زنان و مردان است. بی‌شک، ارتباط دختر و پسر و زن و مرد نامحرم بدون رعایت حدود شرعی، برخلاف فرهنگ دینی و اعتقادی ماست و پشت پا زدن

به پیمان‌هایی است که با خدا بسته‌ایم: متعهد شده‌ایم که فقط او را بپرستیم، برخلاف قانون او رفتار نکنیم و در برابر امر و نهی خدا تسلیم باشیم: «أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ» (نحل: ۹۱).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اختلاط و گفت‌وگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دل‌ها را منحرف می‌سازد و نگاه بسیار بر آنها روشنی دل را می‌برد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۲۹۱).
رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد. ایشان برای اینکه برخورد و اصطکاکی رخ ندهد، دستور می‌داد مردان از وسط، و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیرون مسجد بود؛ دید مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند. فرمود: بهتر این است شما صبر کنید، آنها بروند.

نمونه این اختلاط‌ها در ورودی و خروجی مساجد، حسینیه‌ها، متروها، اتوبوس‌ها، پله‌برقی‌ها و دیگر مکان‌های پرتردد وجود دارد که مبلغ دین باید اصول اخلاقی را رعایت کند. برای مثال، در مترو خانم جوانی در قسمت آقایان نشسته و در کنار او جای خالی هست. آیا جایز است در کنار وی بنشیند؛ درحالی‌که بدن‌ها به هم برخورد خواهد کرد؟ در اینجا اخلاق حکم می‌کند که نشیند؛ چراکه احتمال تأثیر هست. حال اگر خانمی آمد در کنار مردی بنشیند، آیا مرد باید بلند شود؟ در اینجا عقل حکم می‌کند که مرد وزین باشد و در صورت امکان، جا باز کند تا تماس نباشد؛ و می‌تواند به بهانه‌ای مثل جای خود را به کسی دادن یا پیاده شدن، بلند شود.

خلاصه آنکه، آنچه از آیات، روایات، سخن عالمان و به تجربه فهمیده می‌شود، این است که در روابط زنان و مردان و دختران و پسران، اصل بر حفظ حریم و پرهیز از اختلاط و آمیختگی است؛ و اگر مبلغان دین این اصل را رعایت نمایند و از حدود الهی تجاوز نکنند، در تبلیغ دین موفقیت چشمگیری خواهند داشت.

۴-۳. غیرت اجتماعی

غیرت، مصدر از «غیر» به معنای رشک بردن، حمیت، ناموس‌پرستی و رشک هست (عمید، ۱۳۸۱، ص ۸۹۶). غیرت یکی از اخلاق حمیده و ملکات فاضله است و آن عبارت است از: دگرگونی حالت انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را به دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس یا جاه و امثال آن تجاوز کرده است، وامی‌دارد. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی‌بهره نیست. هر انسانی را که فرض کنیم، باز در برخی موارد غیرت را از خود بروز می‌دهد. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که بر اساس فطرت تشریح شده است و در آن امور فطری را می‌گیرد و تعدیل می‌کند؛ آن مقدارش را که در حیات بشر لازم و ضروری است، معتبر و واجب می‌سازد و آنچه را که نقص و خلل در آن هست و بشر در زندگی‌اش نیازی بدان ندارد، حذف می‌کند و از اعتبار می‌اندازد؛ و چنانکه می‌بینیم، همین روش را در فطریاتی چون

علاقه به جمع مال و به دست آوردن خوراک و شراب و لباس و همسران و غیره معمول داشته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۷۵).

به هر حال، این وصف اگر به صورت معتدل در انسان باشد، فضیلتی بزرگ است. چه فضیلتی از این بالاتر که انسان اجازه ندهد بیگانه‌ای به حریم ناموس یا کشور یا دین و آیین او هجوم برد؛ بلکه در مقابل او بایستد و تا سر حد جان دفاع کند.

در روایات اسلامی به مسئله غیرت به‌عنوان یک فضیلت، اهمیت بسیار زیادی داده شده و حتی از خداوند با صفت غیور یاد شده است؛ از جمله:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی رسول مکرم الهی را به مکارم اخلاق اختصاص داده است. پس نستان را امتحان کنید؛ اگر آن مکارم در شما بود، خدای عزوجل را حمد نمایید و زیاده از آن را از خداوند بخواهید؛ و آن مکارم ده تا هستند: یقین، قناعت، صبر، شکر، رضا، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروت (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۳۱).

در حدیث دیگری از همان بزرگوار می‌خوانیم: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مُنْكَوسُ الْقَلْبِ»؛ اگر انسانی غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است (همان، ص ۵۳۶، ح ۲). علامه مجلسی می‌فرماید: منظور از قلب وارونه این است که همانند ظرف وارونه است که چیزی در آن جای نمی‌گیرد. قلب افراد فاقد غیرت نیز تهی از صفات و اخلاق برجسته انسانی است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۷۵). این تعبیر نشان می‌دهد که صفت غیرت رابطه نزدیکی با دیگر اوصاف برجسته انسانی دارد؛ یعنی کسی که غیرت ندارد، پذیرای دیگر صفات اخلاقی نیست.

ارزش انسان به اندازه همت اوست، و راستگویی او به میزان جوانمردی‌اش، و شجاعت او به اندازه عزت‌نفس و بی‌اعتنائی‌اش (به ارزش‌های مادی) است و عفت او به اندازه غیرت اوست (نهج‌البلاغه، ح ۴۷).

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: گروهی از اسیران را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. حضرت دستور قتل آنها را داد، جز یکی از آنها را که آزاد فرمود. او از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: چرا مرا آزاد فرمودی؟ حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داد که در تو پنج خصلت هست که خدا و پیامبرش تو را دوست دارند: «لِغَيْرَةِ الشَّدِيدَةِ عَلَي خَرَمِكَ وَالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَصِدْقِ اللِّسَانِ وَالشَّجَاعَةِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۸۲)؛ غیرت شدید نسبت به خانواده و سخاوت و حسن خلق و راستگویی و شجاعت. هنگامی که آن مرد آن سخن را شنید، اسلام آورد و جزء مسلمانان برجسته شد و در یکی از غزوات که با پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به درجه شهادت نائل گشت.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از نامه‌ها به فرزند گرامی‌اش امام مجتبی علیه السلام، از غیرت افراطی به شدت نهی می‌کند و با ذکر سبب آن چنین می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالتَّرِيَةَ إِلَى الرَّيْبِ» (نهج‌البلاغه، ن ۳۱)؛ از غیرت در غیر موردش بپرهیز؛ چراکه این‌گونه غیرت‌ها سبب می‌شود که افراد صحیح و درستکار از آنان، گرفتار آلودگی و بیماری شوند و افراد بی‌گناه در معرض تهمت قرار گیرند.

غیرت سبب می‌شود که حریم ارزش‌های والای یک جامعه نشکند و پاک و محفوظ بماند، و سبب امنیت جامعه و از میان رفتن مظاهر فساد و فحشاست؛ درحالی که بی‌غیرتی، هم امنیت را درهم می‌شکند و هم ارزش‌ها را به باد می‌دهد و هم صحنهٔ جامعه را به صحنهٔ فساد و آلودگی‌ها مبدل می‌سازد. حال بحث دربارهٔ تبلیغ است: مبلغ دین باید غیور باشد تا بتواند با هنرمندی غیرت دینی مخاطبان را زنده کند و آنان بدین سبب در اعتقاداتشان راسخ و به مقدسات اسلامی پایبند شوند و در حفظ نوامیس^۱ کوشا و در انجام واجبات و ترک محرمات پیش قدم شده، و در برابر دشمنان دین سرسخت و با دوستان مهربان باشند؛ به عبارت دیگر، ارزش‌ها و اصول خود را حفظ کنند.

۳-۵. پرهیز از مواضع تهمت

مسلمان حق ندارد آبروی خود را در معرض خطر بیندازد؛ و یکی از چیزهایی که آبروها را به خطر می‌اندازد، قرار گرفتن در موضع تهمت است. شرکت در مجالس سوء و هم‌نشینی با افراد فاسد، زمینه را برای اتهام فراهم می‌آورد. به همین دلیل از ما خواسته‌اند که در مواضع تهمت قرار نگیریم. از این رو، خداوند عالم فرموده است: «دشنام مدهید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند که ایشان هم خدا را دشنام دهند» (انعام: ۱۰۸).

چنانکه به سند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم می‌فرمود: ای فرزند! هر که با رفیق بد مصاحبت می‌کند، سالم نمی‌ماند؛ و هر که در جای بد داخل می‌شود، متهم می‌گردد؛ و هر که زبان خود را مالک نیست، پشیمانی می‌کشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۶۱).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام وفات وصیت فرمود: ای فرزند! زینهار پرهیز از محل‌های تهمت و از مجالسی که گمان بد به اهلش می‌برند؛ به درستی که هم‌نشین بد فریب می‌دهد کسی را که با او می‌نشیند (همان). به‌طور کلی، هر مسلمانی به حکم مسلمانی‌اش در قبال جامعهٔ اسلامی و آحاد مسلمین مسئول است و حقوقی از آنها به گردن اوست که باید در ادای آن کوشا باشد. یکی از این حقوق این است که از مواضع تهمت پرهیزد تا قلوب مردم را از سوءظن و زبان‌های آنها را از غیبت حفظ کند.

بنابراین، مبلغ دین با توجه به جایگاه و مسئولیت خطیر و مهمی که دارد، باید اکیداً از مواضع تهمت پرهیزد تا هم آرامش روحی و آبرویی خود را حفظ کند و هم مایهٔ آبروی اسلام باشد، که این امر باعث محبوبیت بیشتر مبلغ در میان مردم می‌شود و زمینهٔ تبلیغ دین را بهتر فراهم می‌کند.

یکی از موارد در معرض تهمت بودن مبلغ دین، نشست و برخاست مبلغ با مردم است: در مکان و مسیر تردد بانوان نشینند؛ ارتباطش با افراد مشکوک، با رعایت احتیاط و با هماهنگی و مشورت بزرگان فرهنگی باشد؛ از تجملات پرهیزد؛ و به‌طور کلی سبک زندگی اسلامی را در زندگی خود در اولویت قرار دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای برون‌رفت از چالش اخلاقی تبلیغ دین، به پنج راهکار اشاره شد که راهکار اول، رعایت عفت عمومی در گفتار، رفتار و نگاه بود. در این راهکار، عفت یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی و از دیدگاه اسلام از برترین عبادات شمرده می‌شود. ایمان، عقل و خرد، خودشناسی، قناعت، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی، غیرت، حیا، تقوا، ریاضت، توجه به آثار سوء و مفید عفت، و نیکو سخن گفتن، از جمله عوامل دخیل در تحصیل عفت تبیین شدند. راهکار دوم، پرهیز از نگاه حرام است. در احادیث، نگاه حرام تیری از تیرهای شیطان قلمداد شده و قرآن کریم به مؤمنین و مؤمنات دستور کنترل چشم (غص بصر) داده است. در این راهکار، به مبلغ دین هشت نکته توصیه شده است؛ از جمله: آمادگی علمی، لباس و آراستگی مبلغ، و ناامید نشدن از رحمت الهی که ریشه هر مصیبت و گناهی است. سومین راهکار، پرهیز از اختلاط است. اختلاط از نظر دینی، سبب نزول بلا و بدبختی و منحرف شدن دل‌ها معرفی شده است. چهارمین راهکار، غیرت اجتماعی است. انسان با داشتن این صفت، از ناموس، دین، کشور و مقدسات خود دفاع می‌کند و ناموس دیگران را ناموس خود می‌داند. راهکار پنجم، پرهیز از مواضع تهمت است. در بیان این راهکار تأکید شد که مبلغ دین باید از مواضع تهمت بپرهیزد تا هم آرامش روحی و آبرویی خود را حفظ کند و هم مایه آبروی اسلام باشد، که این امر باعث محبوبیت بیشتر مبلغ در میان مردم می‌شود و زمینه تبلیغ دین را بهتر فراهم کند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامیة.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، آل البيت علیهم السلام.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۹، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- رهبر، محمدتقی، ۱۳۷۱، پژوهشی درباره تبلیغ، قم، بوستان کتاب.
- شیر، عبدالله، ۱۳۷۴، الأخلاق، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، خصال، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- علیزاده، مهدی و همکاران، ۱۳۸۹، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، قم، نشر معارف.
- عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چاپخانه سپهر.
- فاخری، علیرضا، بی تا، اخلاق در خانواده، قم، نرم افزار معرف ۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
- مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۶، المنطق، قم، نشر اسلامی.
- نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۱، معراج السعادة، قم، هجرت.